

ارائه نظریه وزن‌کشی ساحات انسانی در تحلیل الگوی تصمیم‌گیری بر مبنای آرای فلاسفه متعالیه

مهران رضایی *

سید مهدی امامی جمعه **

محمد بیده‌ندی ***

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۲۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۵/۲۳

چکیده

«تصمیم‌گیری» از مهمترین محورها در زندگی انسان است؛ ولیکن در مباحث فلسفی، کمتر مورد توجه بوده است. مسئله این پژوهش این است که بر مبنای تحلیل آرای فلاسفه متعالیه (با محوریت ملاصدرا، علامه طباطبایی و استاد مطهری)، چه الگویی از تصمیم‌گیری، قابل طراحی و ارائه است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. طبق یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های مختلف اعم از ساحات سه‌گانه انسانی (ساختهای شناختی، عاطفی و رفتاری) و ابعاد آنها در تصمیم‌گیری انسان تأثیرگذار است، اما تحلیل الگوی تصمیم‌گیری، باید جامع و با لحاظ همه این مؤلفه‌ها در معیت یکدیگر باشد. هر کدام از این مؤلفه‌ها، مطلوب مخصوص به خود را دارد و در «فاعل تصمیم» به سمت آن، کشش ایجاد می‌کند؛ کشش‌هایی که بعضی همسو و بعضی غیر همسو (متعارض) است و هم‌چنین از لحاظ شدت و قدرت متفاوت است. در نهایت، طبق الگو و نظریه پژوهش، موازنه «مجموع کشش‌ها»، تعیین‌کننده تصمیم است؛ آن‌گزینه‌ای که مؤلفه‌های حامی آن، از قدرت و وزن بیشتری برخوردار، و در نتیجه «مجموع کشش‌های ایجاد شده مؤلفه‌های حامی آن» بیشتر باشد، تصمیم خروجی خواهد بود. این تحلیل از تصمیم‌گیری در قالب الگوی مفهومی ارائه شده است که می‌توان آن را «نظریه وزن‌کشی ساحات و ابعاد انسانی در تحلیل الگوی تصمیم‌گیری» نامید.

کلیدواژه‌ها: الگوی تصمیم‌گیری، حکمت متعالیه، فلسفه ملاصدرا، علامه طباطبایی، استاد مطهری.

این مقاله مستخرج از رساله دوره دکتری مهران رضایی در دانشگاه اصفهان است.

m.rezaee@umz.ac.ir

* استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران

m.amami@ltr.ui.ac.ir

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

m.bid@ltr.ui.ac.ir

*** دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

مقدمه

«تصمیم‌گیری» از مهمترین محورها در زندگی انسان است. بخش زیادی از زندگی فرد و اجتماع بر تصمیمات آنان مبتنی است. همین مطلب، ضرورت کلی بحث از «تصمیم» را نمایان می‌کند. مسئله تصمیم‌گیری، ذیل رشته‌های مختلف علمی همچون مدیریت، علوم تربیتی و اقتصاد مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است ولی این کتابها غالباً جنبه تخصصی رشته مورد نظر را لحاظ می‌کند و مسئله تصمیم را از نظرگاه تخصصی خود، مورد بررسی قرار می‌دهد.

در این بین، بررسی «تصمیم انسانی» به مثابه مسئله‌ای فلسفی (که به مبانی هستی‌شناختی ناظر باشد)، و به صورت دقیقتر «فلسفه تصمیم»^۱ به صورت محدود مورد توجه بوده است. فیلسوفان غربی با عناوینی همچون تصمیم‌گیری^۲ و تصمیم عقلانی^۳، تا حدی، به جوانب مختلف مبحث تصمیم پرداخته‌اند (آثاری مانند: برمودز^۴، ۲۰۰۹؛ دنسی^۵، ۲۰۰۰؛ پولاک^۶، ۲۰۰۶؛ سندیس^۷، ۲۰۱۱). هم‌چنین، «فلسفه فعل»^۸ از زمینه‌های نزدیک است که در غرب آثاری نگاشته شده است (آثاری مانند: کونور^۹ و سندیس، ۲۰۱۱؛ دی اورو^{۱۰} و سندیس، ۲۰۱۳؛ اُبرین^{۱۱}، ۲۰۱۴؛ سندیس، ۲۰۰۸).

در منظومه فلسفی ایرانی - اسلامی، مسئله «تصمیم انسانی» به عنوان مسئله‌ای خاص و مشخص، کمتر مورد توجه حکما بوده است؛ البته فیلسوفان اسلامی به صورت پراکنده، ذیل مباحثی دیگر [همچون نفس‌شناسی (معرفت نفس و قوای آن)، معرفت‌شناسی (و انواع ادراکات)، رابطه اراده خدا و انسان، جبر و اختیار، مبادی افعال ارادی، بحث غایت و گزاف، حکمت عملی، حکمت اخلاق، ملکات و فضائل و ردائل] به بررسی تأثیر عوامل مختلف در تصمیم انسانی (به صورت جدا) پرداخته‌اند ولیکن از سویی، مطالب متمرکز، منسجم و نظام‌مند نیست و دچار پراکندگی در بحث

- 1 - Philosophy of decision
- 2 - Decision Making
- 3 - Rational Decision
- 4 - Bermúdez
- 5 - Dancy
- 6 - Pollock
- 7 - Sandis
- 8 - Philosophy of action
- 9 - Connor
- 10 - D'Oro
- 11 - O'Brien

حول مسئله تصمیم است و از سوی دیگر در آنها یک الگوی واحد برای تصمیم‌گیری [که تأثیر مؤلفه‌ها و عوامل مختلف تأثیرگذار در تصمیم‌گیری به صورت جامع لحاظ شده باشد] ارائه نشده است.

بر این اساس، نیازمند پژوهشهایی در راستای تبیین و بررسی فلسفی مسئله تصمیم از دید فیلسوفان اسلامی هستیم. در همین راستا، هدف این پژوهش این است که با استفاده از ظرفیت حکمت متعالیه - با محوریت آرای فیلسوف مؤسس آن، ملاصدرا و هم‌چنین فلاسفه معاصر صدرایی همچون علامه طباطبایی و استاد مطهری - به ارائه مبانی، عوامل و الگوی جامع تصمیم‌گیری بپردازد. ارائه «الگوی تصمیم‌گیری انسان» از دید حکمای متعالیه، تلاشی پیشگامانه خواهد بود برای نظریه‌پردازی و حضور مؤثر فلسفه اسلامی در عرصه مسائل جدید. مسئله خاص پژوهش این است که بر مبنای تحلیل آرای فلاسفه متعالیه، چه الگویی از تصمیم‌گیری، قابل طراحی و ارائه است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تصمیم‌گیری^۱ برگزیدن یک راه از میان راه‌حلهای مختلف است. در تعریفی دیگر تصمیم‌گیری فرایندی را تشریح می‌کند که از طریق آن راه حل یک مسئله معینی انتخاب می‌شود (تسلیمی، صفری و سید دانش، ۱۳۸۳: ۳۲). در ادبیات حکمی، خصوصاً واژه «تصمیم» پرکاربرد نبوده است. طبق گذشته فرهنگنامه‌های فلسفی - اسلامی، تصمیم معادل عزم (صلیبا، ۱۴۱۴ق، ذیل واژه العزم) و یا اجماع است.

انسان موجودی پیچیده است و همین پیچیدگی بی‌نهایت، منشأ تفسیرهای مختلفی از او شده است. غالب اندیشمندان در این اشتراک دارند که انسان موجودی چندساختی (چند بعدی) است. از دید حکمت متعالیه، نفس انسان در سیر جوهری خود، در عین حفظ وحدت، قوای مختلفی را واجد خواهد بود که منشأ تبیین ساحات و ابعاد مختلف است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۸: ۳ - ۳۳۰). اندیشمندان علوم تربیتی و روانشناسی، حیطه‌های روانی وجود انسان را به سه حیطه شناختی، عاطفی، و رفتاری تقسیم می‌کنند که ارتباط محکم و غیر قابل تفکیک با یکدیگر دارند (کاویانی، ۱۳۷۶:

۳۵ - ۴۰). در این پژوهش عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری را از مجرای ساحات انسانی^۱ مورد تحلیل قرار خواهیم داد. البته هر کدام از ساحات سه‌گانه، شامل ابعاد و اجزای جزئی‌تری است؛ به عنوان مثال، ساحت شناختی شامل ابعاد مختلف مانند ادراکات حسی، ادراکات خیالی، ادراکات وهمی و ادراکات عقلی است. هر کدام از این ابعاد نیز در واقع به موارد جزئی‌تری ناظر است که هر کدام می‌تواند به عنوان مؤلفه‌ای مستقل، در تصمیمات اثرگذار باشد. بنابراین در طول بحث، هنگامی که - به عنوان مثال - مطرح می‌شود که «یک مؤلفه شناختی بر تصمیم‌گیری اثرگذار است»، مراد از «یک مؤلفه شناختی»، هر کدام از ابعاد و اجزای جزئی و مصداقی از ساحت شناختی است.

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، بحث تصمیم‌گیری از دید فلسفی کمتر مورد توجه بوده است. بویژه از دید فلاسفه اسلامی. به همین دلیل، اثری مستقل در باب الگوی تصمیم‌گیری از دید فلاسفه و حکمای اسلامی یافت نشده است. البته در زمینه‌های مرتبط می‌توان مقالاتی یافت.

برای نمونه نجف زاده تربتی در مقاله‌ای با عنوان «نگاه نهج‌البلاغه به نظریه تصمیم»، که برگرفته از پایان‌نامه است (نجف‌زاده تربتی، ۱۳۸۰: ۲۲ - ۳۵) در تلاش است تا از دید اسلامی (مبتنی بر نهج البلاغه) به نقد نظریات غربی در تصمیم‌گیری مدیریتی بپردازد. البته این مقاله با اسلوبی غالباً روایی نگاشته شده و تمرکز آن بر نهج البلاغه است و نه نظر حکیمان.

از نگاه‌های که صبغه فلسفی داشته باشد، کتاب «تفکر پیرامون عمل، مبانی منطقی برای تصمیم‌سازی عقلانی» است که توسط جان پولاک، فیلسوف معاصر نوشته شده است (پولاک، ۲۰۰۶). نگارنده این کتاب در پی آن است که با اتخاذ رویکردی رئالیستی (واقع‌گرایی) و لحاظ محدودیتهای شناخت قوای ادراکی فاعل، نظریه تصمیم‌سازی عقلانی را تبیین کند. پولاک در مقام نقد، نظریه‌های ایده‌آلیستی سنتی (آرمانگرایی) در حیطه تصمیم‌سازی عقلانی را نامرتبط با واقعیت (به دلیل نگاه آرمانی به فاعل و عدم لحاظ محدودیتهای او) و البته غیرکارآمد می‌داند. این کتاب از جمله کتابهایی است که در حیطه «فلسفه تصمیم» نگاشته شده است ولیکن مشخصاً از دید یک فیلسوف رئالیست غربی به موضوع پرداخته است.

نوشته فلسفی دیگر، مقاله «عقل و تصمیم، آموزه محوری وبر و انتخابهای ارزشی» است (ترنر، ۱۳۷۸: ۱ - ۲۴). این مقاله نیز با نگاهی فلسفی به مسئله عقلانیت، تصمیم، انتخابهای ارزشی و نسبت عقلانیت با ارزشها پرداخته است. نگارنده در بخشی از این پژوهش به نسبت تفکرات وبر با

نوکانتی‌ها بویژه در حیطه معرفت‌شناسی می‌پردازد. این مقاله نیز صرفاً مرتبط با موضوع کلی پژوهش است و فارغ از نگاه فیلسوفان اسلامی است.

در نگاه‌های دیگر رضا اکبری در مقاله‌ای با عنوان «عقلانیت، تصمیم‌سازی، اصل شورا» با مشربی فیلسوفانه به بررسی عقلانیت در حیطه تصمیم‌سازی پرداخته است (اکبری، ۱۳۸۶: ۵۹-۷۶). وی تصمیم‌سازی را در حیطه عقل عملی دانسته و با تشریح محدودیت قوای شناختی و محدودیت زمان، ضرورت و جایگاه اصل شورا را در مقوله تصمیم‌سازی تبیین نموده است. این مقاله از جمله آثاری است که در حیطه «فلسفه تصمیم» نگاشته شده و با موضوع پژوهش مرتبط است؛ اما جزئی است و تنها بخشی از پازل وسیع تصمیم‌گیری را مورد بررسی قرار داده است و صرفاً به یک اصل رهنمون گشته است؛ هم‌چنین از دید حکما و فیلسوفان متعالیه نیست.

در نهایت، مقاله‌ای که تا حدی از دید علامه طباطبایی (یکی از فیلسوفان متعالیه مورد بحث این پژوهش) به بررسی تصمیم‌پرداخته است، مقاله هاشمی با عنوان «نظریه ادراکات اعتباری و نتایج علمی و عملی آن» است (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۲۵-۱۵۷). این پژوهش به بررسی نظریه اعتباریات علامه طباطبایی می‌پردازد و در بخشی از بحث، انواع اعتبارات و جایگاه آنها در زندگی فردی و اجتماعی تبیین می‌شود. نگارنده این مقاله به دنبال نتایج علمی و عملی (عنوانی کلی) است که در این میان به فراخور، اندکی هم به بحث تصمیم‌پرداخته است. در حالی که در این پژوهش به صورت منسجم و مفصل مسئله خاص تصمیم‌مورد بررسی قرار خواهد گرفت. افزودن بر آن، تأکید مقاله هاشمی بر بحث اعتباریات است در حالی که در این پژوهش در پی بررسی همه‌جانبه مسئله در تمام آثار و نظریات علامه طباطبایی هستیم.

روش پژوهش

تحلیل محتوا، اصطلاحی عام برای گستره‌ای از روشهای تحلیل متن است. اساس و محور این روش، مقایسه، مقارنه و مقوله‌بندی مجموعه‌ای از داده‌هاست (شوانت، ۲۰۰۷: ۴۱). بنابراین روشهای مختلف تحلیل کیفی را شامل می‌شود؛ اما در یک معنای خاصتر، تحلیل محتوا، فرایندی ذهنی است که در آن داده‌های متنی کیفی در قالب خوشه‌هایی از مداخل مشابه، طبقه‌بندی می‌شود. هدف این کار، شناسایی الگوها یا روابط مفهومی بین متغیرهاست (گیون، ۲۰۰۸: ۱۲۰). از این رو در بررسی داده‌های مستخرج از آثار فلسفی برای برشماری و تجمیع مؤلفه‌های موثر بر

تصمیم‌گیری، روش تحلیل محتوای کیفی، مناسب و مفید خواهد بود.

در این روش، سعی می‌شوند که حجم داده‌ها، کاهش یابد و ضمناً از مسیر این کاهش حجم داده، معناکاوی صورت گیرد. متن مکتوب، متن مصاحبه، مشاهدات آرشویی، سخنرانیها، رسانه، عکس، فیلم از جمله منابع داده‌ای برای روش تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا هم به صورت کمی و هم به صورت کیفی قابل اجراست. در تحلیل محتوای کیفی، تفسیر نقش بسزایی دارد و حساسیت ذهنی پژوهشگر نسبت به موضوع پژوهش، می‌تواند در نوع تفسیر و معناکاوی از داده بسیار اثرگذار باشد. شناسه‌گذاری، خوشه‌بندی و مضمون‌کاوی، مفهوم‌یابی و مقوله‌بندی از عناصر فرایندی چنین روشی به‌شمار می‌رود (گیون، ۲۰۰۸: ۱۲۰). شناسه‌گذاری، که پایه این تحلیل به‌شمار می‌رود، فرایندی است که در آن، داده‌های خام به واحدهای معنایی مناسب برای مقوله‌بندی تبدیل می‌شود. این فرایند به نوعی، فرایند ساخت معنا نیز به‌شمار می‌رود و در حوزه ساختگرایی قابل تحلیل است (جاپ، ۲۰۰۶: ۳۰).

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای و ابزار تحقیق فیشبرداری است. در این پژوهش بر مبنای حساسیت نظری پژوهشگر، کتابهای مختلف ملاصدرا، علامه طباطبایی و استاد مطهری بر اساس جستجوی کلیدواژه‌ای، شناسه‌گذاری و تحلیل شد. از آثار ملاصدرا، کتابهایی مانند «الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه» (اصلی‌ترین و طولانیترین اثر ایشان)، مفاتیح الغیب، المبدأ و المعاد و الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة تحلیل شد. آثار علامه طباطبایی نیز با تدقیق بر آرای ایشان در تفسیر گرانسنگ «المیزان فی تفسیر القرآن» در کنار کتابهایی مانند اصول فلسفه رئالیسم و تعالیم اسلام مورد بحث بوده است. در مورد استاد مطهری نیز «مجموعه آثار»، محور اصلی تحلیل و بررسی قرار گرفت.

جستجوهای مقدماتی در پی کلیدواژه‌هایی اولیه مانند «العزم»، «مبادئ الأفعال الاختیاریة»، «تصمیم» و «گرایش» در منابع داده‌ای اجرا شد. با توسعه شبکه کلیدواژه‌ها به گزاره‌های معنادار برای تحلیل مؤلفه‌های موثر بر تصمیم‌گیری رسیدیم. در چند مرحله، شناسه‌گذاری انجام، و مفاهیم استخراج شد. بر این اساس، داده‌های پژوهش در چندین گام، مقوله‌بندی شد و در راستای جمع آرای این سه فیلسوف متعالیه به قواعد و گزاره‌های کلی دست یافتیم. در نهایت نیز الگوی جامع تصمیم‌گیری طراحی و ارائه شد.

از یک دید، این پژوهش بنیادی است؛ زیرا تکاپویی علمی و نظری برای تعمیق و تحلیل فلسفی

از الگوی تصمیم‌گیری است؛ تحلیلی بر اساس آثار سه فیلسوف گرانقدری که به سنت حکمت متعالیه متعلق هستند [ملاصدرا، علامه طباطبایی و استاد مطهری]. با توجه به رویکرد این پژوهش، که در نظر دارد از دید متفکران ایرانی - اسلامی به بررسی موضوع بپردازد، این پژوهش گامی توسعه‌گرایانه در راستای تدوین «فلسفه تصمیم» در حوزه تفکر ایرانی - اسلامی است و دایره دانش در این حوزه را افزون خواهد نمود.

از دیدی دیگر، این پژوهش کاربردی است؛ زیرا «تصمیم‌گیری» همواره در هر لحظه و در هر سطحی از زندگی فردی و اجتماعی، سریان و جریان دارد. ارائه «الگوی جامع تصمیم‌گیری» بر اساس آرای فلاسفه اسلامی [که نتیجه نهایی پژوهش حاضر است] از سویی می‌تواند به بهبود سطح تحلیل از تصمیمات افراد و جوامع انسانی و تصحیح آن بینجامد؛ از سوی دیگر، مبنایی خواهد بود برای کاربرد در مباحث بسیار مهمی مانند سبک زندگی اسلامی، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، اسلامی‌سازی علوم مانند روان‌شناسی، اقتصاد و مدیریت که از دغدغه‌های اساسی ملی و بین‌المللی است.

یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل مطالب کتابها، ابتدا کارکرد مستقل مؤلفه‌ها (ساحات و ابعاد مختلف وجودی انسان) در تصمیم‌گیری، مشخص شده است. سپس طبق نگاه تجمیعی، کشش مؤلفه‌ها، به صورت جامع در کنار هم لحاظ شده است. در نهایت نیز، الگوی تصمیم‌گیری انسان (در تصمیم واحد در لحظه خاص) طراحی و ارائه شده است.

۱. کارکرد مستقل مؤلفه‌ها (ساحات و ابعاد مختلف وجودی انسان) در تصمیم‌گیری

هر یک از ساحات انسانی و ابعاد آنها در نظام تصمیم‌گیری انسان تأثیر بسزایی دارد؛ بر همین اساس، مقدمتاً، مؤلفه‌های تأثیرگذار در تصمیم‌گیری را از دریچه ساحات سه‌گانه انسانی - ساخت شناختی، عاطفی و رفتاری - اجمالاً مورد تحلیل قرار می‌دهیم. البته بحث مربوط به هر یک از این ساحات و مؤلفه‌ها، بسیار وسیعتر از جدولها است؛ این جدولها صرفاً گزارشی اجمالی از بخشی از تمام مطالبی است که گردآوری و تحلیل شده است.

ساحت شناختی و ابعاد مختلف آن [ادراکات حسی، ادراکات خیالی، ادراکات وهمی، ادراکات

عقلی] مبتنی بر ماهیت ادراکی آنها، دارای کارکرد شناختی در فرایند تصمیم‌گیری انسان است.

جدول ۱: بخشی از کارکرد مستقل مؤلفه‌های ساحت شناختی در تصمیم‌گیری

مقولات	مفاهیم	داده
کارکرد ساحت شناختی	تأثیرگذاری ادراکات حسی	«ادراکات حسی»، از سویی تأثیر مستقیم در غالب تصمیمات انسان دارد که انسانها بر اساس داده‌های بینایی، شنوایی و... تصمیم‌گیری می‌کنند. از سوی دیگر، علاوه بر این تأثیر مستقیم از دید ملاصدرا و علامه طباطبایی، همه ادراکات انسان به حواس منتهی است (طباطبایی، ۱۳۸۷ الف: ۶۶؛ ملاصدرا، ۱۳۷۵: ۱۳۴) به‌گونه‌ای که قائلند که «من فقد حسا فقد علما» (طباطبایی، ۱۳۸۷، د: ۱۳۸؛ ملاصدرا، بی‌تا: ۹۳) ^(۱) ؛ بر همین اساس، ضرورتاً در مرحله ادراکی از هر تصمیم‌گیری‌ای از انسان - بر هر نوعی از ادراک هم که مبتنی باشد - ادراک حسی، مستقیماً و یا با واسطه حضور دارد.
	تأثیرگذاری ادراکات خیالی	صور جمیع محسوسات بعد از اینکه توسط حواس ظاهری دریافت شد در قوه خیال جمع می‌شود و بعد از غیبت حواس و حس مشترک، بدون حضور خارجی موضوع ادراک - در آن باقی می‌ماند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۲۴۴؛ شیروانی، ۱۳۸۷، ج: ۳، ۶۸ - ۶۹). این «ادراکات خیالی» در تصمیمات مختلف با وجود «عدم حضور متعلق تصمیم»، مبنای شوق قرار می‌گیرد و فرد را به‌سوی تصمیمات متناسب با خود می‌کشاند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۱۳۵).
	تأثیرگذاری ادراکات وهمی	«ادراک وهمی»، ادراک معانی جزئی است (شیروانی، ۱۳۸۷: ۱۷۶۳)؛ همچون مهر یک فرد خاص، خشم یک فرد خاص و دوستی یک فرد خاص؛ به دیگر سخن، ادراک وهمی شامل حکمی است که اشخاص در امور جزئی غیر محسوس می‌نمایند؛ مانند حکم بره به صداقت مادرش و در مقابل حکم به دشمنی گرگ (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج: ۳، ۵۱۷؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۱۳۹). این ادراکات، مبنای تصویری و یا تصدیقی بسیاری از تصمیمات قرار می‌گیرد به‌گونه‌ای که بخش زیادی از تصمیمات انسانها بر آنها متوقف است (ملاصدرا، بی‌تا: ۲۳۴). ملاصدرا وهم را دارای ریاست مطلق در عرصه حرکات حیوانی می‌داند (ملاصدرا، ۱۴۲۲: ۲۳۶).
تأثیرگذاری ادراکات عقلی	ویژگی نفس انسانی، داشتن عقل نظری و عقل عملی است که بازیگران اصلی در حیطه «ادراکات عقلی» هستند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۲۵۸). مبتنی بر ماهیت این دو، کارکرد عقل نظری در تصمیم‌گیری، ادراک امور کلی و کارکرد عقل عملی، ادراک امور جزئی مربوط به عمل و تدبیر بدن در تصمیم‌گیری است (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۱۹۹؛ سبزواری، ۱۳۸۳: ۳۸۷). از دیدی دیگر، عقل نظری از مجرای اینکه متولی تشخیص «هست‌ها و نیست‌ها» [تشخیص حقیقت‌ها، ادراک حق و باطل، تشخیص صدق و کذب] است در تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. عقل عملی نیز از مجرای اینکه متولی تشخیص «بایدها و نبایدها» [تشخیص خیر و شر اعتقاد به حسن و قبح در آنچه باید انجام یا ترک شود] است، در تصمیم‌گیری نقش بسیار حائز اهمیتی دارد (مطهری، ۱۳۷۷، ج: ۲۲: ۵۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۲: ۲۲۲؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج: ۹: ۸۲ - ۸۳). انسان بر اساس «هست‌ها و نیست‌ها». به بایدها و نبایدهایی می‌رسد که مبنای تصمیم‌گیری او قرار می‌گیرد. بر این اساس، تأکید علامه طباطبایی بر بحث اعتباریات (طباطبایی، ۱۳۸۷ الف: ۱۱۳ - ۱۶۲؛ طباطبایی، ۲۰۰۷: ۳۳۹ - ۳۷۹) نیز در عرصه تصمیم‌گیری قابل فهم می‌کند.	

در تحلیل کارکرد ساحت عاطفی و ابعاد مختلف آن [قوه شوقیه، عواطفی همچون غم و شادی، گرایشهای غریزی و گرایشهای فطری]، بخش اول داده‌ها، مربوط به تأثیرگذاری عمومی قوه شوقیه است و بخشهای دیگر مربوط به تأثیرگذاری مصادیق عواطف.

جدول ۲: بخشی از کارکرد مستقل مؤلفه‌های ساحت عاطفی در تصمیم‌گیری

مقولات	مفاهیم	داده
	تأثیر عمومی قوه شوقیه	حضور عمومی «قوه شوقیه» در همه تصمیمات؛ قوه شوقیه [بازیگر اصلی در حیطه عواطف] در هر تصمیمی، باید نقش برانگیزانندگی خود را به صورت کامل ایفا کند تا تصمیم‌گیری کامل، و پس از آن فعل صادر شود (ملاصدرا، ۱۴۲۲: ۲۸۳؛ طباطبایی، بی تا - الف: ۹۳).
	تأثیر تبعی عواطف	عواطف به نوبه خود دارای تأثیرات تبعی در دیگر تصمیمات است؛ به عنوان مثال، فرد در مقام تصمیم‌گیری در حالت «شادی»، به دلیل حرکت روح به سمت خارج و به نوعی انبساط روح، گرایش به سمت تصمیم‌گیری بازتر می‌یابد؛ در مقابل در حالت «غم»، گرایش به سمت تصمیم‌گیری محتاطانه‌تر خواهد بود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۴: ۱۵۰). هم‌چنین، «آرامش» باعث ثبات انسان و در پی آن، تصمیم‌گیری درست‌تر و معقولانه‌تر خواهد شد و در مقابل «اضطراب»، سبب شتابزدگی در تصمیم‌گیری می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۳۸).
کارکرد ساحت عاطفی	تأثیر بالذات عواطف از مجرای غایت انگاری	بسیاری از عواطف، بالذات مطلوب و هدف در تصمیمات است؛ مانند تحقق «شادی و آرامش» و در مقابل، گریز از «غم و اضطراب»؛ این «غایت انگاری عواطف»، یکی از مهمترین مجاری تأثیرگذاری آنها در تصمیم‌گیری است. انسانها با هدف ایصال به شادی و آرامش و یا گریز از غم و اضطراب، تصمیمات مختلفی را می‌گیرند. علامه طباطبایی با اقتباس از قرآن کریم، یکی از اهداف ازدواج [به عنوان یکی از مهمترین تصمیمات زندگی] را آرامش می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۳۶). هم‌چنین علامه تلویحا یکی از اهداف وضع قوانین اجتماعی مانند قوانین حقوقی را آرامش بر می‌شمارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۱۵۹). از نظرگاه ملاصدرا، غرض از آفرینش الحاق نفس به درجه تعقل است؛ مقامی که در آن راحتی مطلق و طمأنینه و آرامش تام و سعادت قسوی و خیر اعلی و نور اتم وجود دارد (ملاصدرا، ۱۳۶۰ الف: ۹۱؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۵: ۱۹۵؛ ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۶۵).
	تأثیرگذاری گرایشات غریزی	بحث کارکرد ساحت عاطفی در مورد گرایشهای غریزی و فطری، بسیار دقیقتر می‌شود. از دید علامه طباطبایی، تدبیر در آفرینش این‌گونه بوده است که با ایجاد «گرایشهای غریزی»، انسانها (و البته حیوانات)، به سمت تصمیماتی سوق یابند که با اجرای آن تصمیمات، اهداف بنیادی (نیازهای ضروری) تحقق یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۶۹). بر اساس غریزه «حب ذات» و غریزه «جلب منفعت و دفع ضرر»، تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه در هر تصمیمی، خود شخص عامل و منافع او است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۶۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۷ الف: ۱۵۵). «غریزه جنسی» و «گرایش به غذا» نیز از نمونه‌های دیگر غرائز است که مبدأ بسیاری از تصمیمات است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷: ۱۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۶۹).

ادامه جدول ۲: بخشی از کارکرد مستقل مؤلفه‌های ساحت عاطفی در تصمیم‌گیری

مقولات	مفاهیم	داده
	تأثیرگذاری گرایشات فطری	<p>«گرایشهای فطری» سبب می‌شود که انسانها، خواه ناخواه (به صورت نیمه آگاهانه) به سمت برخی تصمیمات، کشش درونی داشته باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۶۷). گرایشهای فطری در افراد - به اقتضای عوامل مختلف - در سطوح متفاوت ظهور می‌یابد که میزان تاثیرگذاری آنها در تصمیم‌گیری، معلول همین میزان «شدت و ضعف در ظهور» است (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۲). «گرایش به حقیقت» انسان را به سمت کنجکاوی علمی و کشف حقائق نامکشوف (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۷۵ و ۲۷۶) و ابتناء تصمیمات خود بر حقایق می‌کشاند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ب: ۶۹).</p> <p>از دید علامه طباطبایی، «گرایش به کمال» بر تمام تصمیم‌گیریهایی انسان، سیطره کامل دارد؛ حتی تصمیمات خاصی مانند فعالیت انتحاری و خودکشی [که در آنها خطای شناختی رخ داده است] (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۴ و ۵). «گرایش به زیبایی» کششی درونی را در «فرد تصمیم‌گیرنده» به سمت متعلق زیبایی‌پسندی ایجاد می‌نماید (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۹۷؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۱۸۴). نمونه‌های بسیار دیگری از گرایشهای فطری وجود دارد، همچون «گرایش به پرستش و ستایش» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۰۸) و... که در تصمیم‌گیری انسانها اثرگذار است.</p>

ساحت رفتاری و ابعاد آن [ملکات، خلقیات، عادات و رفتارهای خروجی]، ساختاری را برای تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری دارد که اندکی متفاوت از دو ساحت قبل است. رابطه‌ای دوسویه مابین «ملکات، خلقیات و عاداتها» و «تصمیمات، رفتارهای خروجی و افعال» مشاهده می‌شود. طبق فرایندهایی، هر کدام از اینها به نوعی سبب تقویت و یا ایجاد دیگری می‌شود.

جدول ۳: بخشی از کارکرد مستقل مؤلفه‌های ساحت رفتاری در تصمیم‌گیری

مقولات	مفاهیم	داده
کارکرد ساحت رفتاری	فرایند تأثیر «ملکات، خلقیات و عاداتها» در تصمیمات، رفتارهای خروجی و افعال	<p>ملکات، خلقیات و عاداتها، منشأ تصمیمات و افعال است. وجود یک ملکه (یا یک خلق و یا یک عادت)، سبب صدور فعل به آسانی و بدون درنگ و تأمل از «فرد دارای آن» می‌شود به گونه‌ای که - در مقام تصمیم‌گیری - تلاش فکری کمتری می‌طلبد (ملاصدرا، ۱۳۶۰ الف: ۲۰۲؛ طباطبایی، بی تا - ب: ۱۲۳)؛ به دیگر سخن، ملکه سبب می‌شود که «تصمیم متناسب با آن» راحت‌تر گرفته، و فعل با آسانی بیشتری صادر شود. اقسام ملکات، خلقیات و عاداتها [موارد مختلفی همچون فضائل و رذائل گوناگون، عفت، شجاعت، حکمت، عدالت، شره، خمود، تهور، جبن، جریزه، غباوت، حسد، کبر، قناعت، صبر و صناعات] همگی در این ساختار اثرگذاری مشترک است. ملاصدرا، علامه طباطبایی و استاد مطهری در آثار مختلف به تفصیل و اجمال به آنها پرداخته‌اند.</p>
	فرایند تشکیل «ملکات، خلقیات و عاداتها» از مجرای تکرار تصمیمات و افعال پیشین	<p>هر تصمیمی که هر فرد می‌گیرد و رفتار و فعلی را در پی دارد، این رفتار، علاوه بر نقشی که در تحقق خواست ذهنی (انگیزه) ایفا می‌کند در «فاعل خود» نیز اثرگذار است. در این میان، فراوانی «تصمیمات هم‌سنخ» و در پی آن فراوانی صدور افعال و تکرار آنها، سبب ایجاد و یا تقویت ملکات، خلقیات و عاداتها برای فرد عامل می‌شود (طباطبایی، ۲۰۰۷: ۳۹۶؛ ملاصدرا، ۱۳۶۱: ۲۶۰).</p>

بحث درباره هر کدام از این ساحات و ابعاد و مصداقهای آنها، بسیار مفصل و مشروح است ولی در مجال محدود این مقاله صرفاً گزارشی اجمالی از نتیجه تحلیل «نقش مستقل مؤلفه‌ها» ارائه شده است تا زمینه‌ای باشد برای بحثهای بعد و ارائه الگوی تصمیم‌گیری.

۲. کشش مؤلفه‌های متفاوت (ساحات و ابعاد مختلف وجودی) در گستره وجودی انسان تصمیمات انسان، صرفاً نتیجه «بازیگری یک ساحت و یا یک مؤلفه به صورت مستقل» نیست بلکه در غالب تصمیمات، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها نقش آفرینی می‌کند؛ به دیگر سخن، تصمیمات، نتیجه رابطه‌ای پیچیده، ما بین همه این ساحات و ابعاد آنها است.

در راستای الگوسازی تصمیم‌گیری، استشار به یک قاعده مبنایی در این بخش و تبیین یک «الگوی مقدماتی» ضروری است. قاعده بدین قرار است که هر کدام از ساحات و ابعاد وجودی انسان، مطلوب مخصوص به خود - امر ملائم با ذات خود - را می‌خواهد و همواره نیز در پی تحصیل آن مطلوب است؛ در همین راستا نیز به سمت «مطلوب خود» در فاعل تصمیم، کشش ایجاد می‌کند.

برای تشریح این «مطلوب‌خواهی»، دو بیان وجود دارد:

۱ - ۲. بیان اول برای تبیین مطلوب‌خواهی مؤلفه‌های مختلف در انسان، بازگشت غایت هر فعل

به فاعل آن

جدول ۴: بازگشت غایت هر فعل به فاعل آن (بیان اول برای تبیین مطلوب‌خواهی مؤلفه‌های مختلف)

مقولات	مفاهیم	داده
مطلوب‌خواهی مؤلفه‌های مختلف در انسان	بازگشت غایت هر فعل به فاعل آن	ملاصدرا قائل است که هر فعلی که انجام می‌گیرد، غایتی دارد. غایت افعال یا حقیقی است و یا عرضی که غایت عرضی نیز در نهایت به غایت حقیقی باز می‌گردد. در این میان، غایت حقیقی همه افعال در واقع به خود فاعل باز می‌گردد و راجع به خود فاعل است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۸: ۱۰۶). از دید علامه طباطبایی نیز غایت فاعل در فعلش عبارت است از ذات فاعل. فاعل در واقع خودش را می‌خواهد [مطلوبات خاص خود را می‌خواهد] و آنچه را برای او کمال محسوب می‌شود (طباطبایی، بی تا - ب: ۱۸۴؛ شیروانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۶۶).
		حال با توجه به اینکه در بخش پیشین، اجمالاً عملکرد و فعالیت هر یک از ساحات و ابعاد آنها در تصمیم‌گیری بررسی شد و با توجه به عمومیت این قاعده، که «غایت همه افعال به خود فاعل باز می‌گردد»، نتیجه‌گیری می‌شود که در فرایند تصمیم‌گیری و صدور فعل نیز در واقع، هر یک از ساحات و ابعاد مختلف آنها با محوریت حب ذات خود در پی تحقق «مطلوب خود» [غایت معطوف به مطلوبات خود] است.

۲ - ۲ - بیان دوم برای تبیین مطلوب‌خواهی مؤلفه‌های مختلف در انسان، لذت‌جویی و کمال‌جویی ساحات و ابعاد انسان

جدول ۵: لذت‌جویی و کمال‌جویی ساحات و ابعاد انسان (بیان دوم برای تبیین مطلوب‌خواهی مؤلفه‌های مختلف)

مقولات	مفاهیم	داده
	تبیین کلی از لذت‌جویی و کمال‌جویی ساحات و ابعاد انسان	انسان موجودی پیچیده و مرکب از اجزای مختلف است که هر کدام از قوای نفس انسانی و مشاعر آن، مطلوب و لذت مخصوص به خود را دارد و همواره نیز در پی تحصیل آن مطلوب است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۱۵۲). به‌گونه‌ای که این «لذت‌جویی»، سعادت و کمال آن جزء و به مقتضای ذاتش است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹: ۱۲۶). هر کدام از این لذت‌جویی و کمال‌جویی‌ها، به کشش‌هایی در انسان منجر می‌گردد. ملاصدرا این را کاملاً قابل پذیرش و غیر قابل اختلاف می‌داند که لذت و خیر هر قوه نفسانی، ادراک آن چیزی است که ملایم با او باشد و آلم و شرش نیز آن چیزی است که مضاد (منافز) با او باشد (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۲۴۹-۲۵۰). از سویی دیگر، لذیذ و مؤلم هر یک از این قوا برای دیگر قوا غیر لذیذ و غیر مؤلم است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۱۵۲). این نکته اساسی، مبنای فهم موازنه و کشمکش بین ساحات و ابعاد آنها در تصمیم‌گیری است.
مطلوب‌خواهی مؤلفه‌های مختلف در انسان	بخشی از تبیین مصداقی برای لذت‌جویی ابعاد ساحات شناختی	در تبیین مصداقی این لذت‌جویی، حکمای متعالیه، ابعاد گوناگونی از ساحات را نام می‌برند و مطلوب هر کدام را تشریح می‌کنند؛ به عنوان مثال، لذت هر کدام از قوای حسی، ادراک کیف محسوسی - که از نوع خودش باشد - است؛ لذت ادراک خیالی، تصور مستحسنات است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹: ۱۲۶). لذت مطلوب قوه وهم، که مبین کمال‌طلبی آن است، رجاء، تمنی (امید و آرزوطلبی) و خوف است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۱۵۲). لذت ادراک عقلی (نفس ناطقه) و کمال خاص آن (با محوریت عقل نظری) این است که با عقل کلی متحد شود و صورت کل عالم و نظام اتم و خیری که افزوده شده از مبدا کل است در او تقرر یابد (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۲۵۰). لذت ادراک عقلی، از جهت عقل عملی آن نیز تسلط بر دیگر قوای بدنی است (ملاصدرا، ۱۴۲۲: ۴۵۳).
	بخشی از تبیین مصداقی برای لذت‌جویی ابعاد ساحات عاطفی	قوه شوقیه - بازگیر اصلی در ساحات عاطفی - دو انشعاب [شهوة و غضب] با لذاتی مختص به خود دارد. لذت و کمال قوه شهوت، «حصول مشتهیات» و آلم این قوه در نبود آن مشتهیات و یا حصول اُضداد آنها است. لذت قوه غضب نیز، غلبه، ظفر و انتقام و آلمش نقیض آن است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۱۵۲؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹: ۱۲۶). هم‌چنین دیگر عواطف همچون غم و شادی نیز منشأ کشش‌ها و تصمیماتی در انسان می‌شود. این نگاه در مورد گرایش‌های حیوانی (گرایش‌های مانند حب ذات، جلب منفعت و دفع ضرر، گرایش جنسی و گرایش به غذا) و گرایش‌های انسانی (گرایش‌هایی مانند گرایش به حقیقت، گرایش به کمال مطلق، گرایش به زیبایی و جمال) نمود بیشتری می‌یابد؛ زیرا کشش‌های این گرایش‌ها، غالباً بسیار پر قدرت و تأثیرگذار در فرد تصمیم‌گیرنده است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۶۴ و ۴۶۵)؛ به دیگر سخن، این گرایش‌ها نیز به نوبه خود دارای مطلوبات و لذاتی است که همواره انسان را به سمت آنها می‌کشند.

ادامه جدول ۵: لذت‌جویی و کمال‌جویی ساحات و ابعاد انسان (بیان دوم برای تبیین مطلوب‌خواهی مؤلفه‌های مختلف)

مقولات	مفاهیم	داده
	بخشی از تبیین مصادیقی برای لذت‌جویی ابعاد ساحات رفتاری	هم‌چنین است حال ملکات، خلقیات و عاداتها - از ساحات رفتاری - که زمینه را در انسان برای تحقق تصمیمات هم‌سنخ با خود فراهم می‌سازد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹: ۲۹۰-۲۹۱؛ ملاصدرا، ۱۳۷۵: ۲۴۶)؛ به عبارت دیگر، هر کدام از ملکات و... در انسان کششی به سمت تصمیم و فعل هم‌سنخ با خود (مطلوب مخصوص خود) ایجاد می‌کند.

بر اساس این تبیینات، هر کدام از ساحات و ابعاد وجودی آنها، مطلوب مخصوص به خود - امر ملائم با ذات خود - را می‌خواهد و همواره نیز به دنبال تحصیل آن مطلوب است؛ بر همین اساس نیز همواره در پی آن هستند که مشارکت بیشتری در شکل‌گیری تصمیمات داشته باشند (به عبارت دیگر، دخالت بیشتری کنند) و «فاعل تصمیم» را به مطلوب و خواسته خود متمایل کنند؛ در همین راستا نیز در فاعل به سمت مطلوب مورد نظر خود کشش ایجاد می‌کنند.

در این مرحله از پژوهش، داده‌های آثار حکمای متعالیه، که تاکنون در بخش اول [کارکرد مستقل مؤلفه‌ها] و این بخش [تبیین مطلوب‌خواهی مؤلفه‌های مختلف] ارائه شد، مورد دقت و بررسی دوباره قرار گرفت. با تحلیل این موارد و مرور مفاهیم و مقولات، پژوهشگر به یک الگو دست یافت؛ این الگو در واقع الگویی است از کشش‌هایی که هر کدام از مؤلفه‌های مختلف (یعنی ساحات و ابعاد مختلف وجودی) در پی مطلوب خود در گستره وجودی انسان ایجاد می‌کنند. در این قسمت «الگوی مفهومی کشش مؤلفه‌های متفاوت (ساحات و ابعاد مختلف وجودی) در گستره وجودی انسان» به همراه توضیح نمادها و علامتها ارائه می‌شود.

ابعاد و مصداقها ساحت شناختی	ابعاد و مصداقها ساحت عاطفی	ابعاد و مصداقها ساحت رفتاری
S_1 : عامل شناختی ۱	A_1 : عامل عاطفی ۱	R_1 : عامل رفتاری ۱
S_2 : عامل شناختی ۲	A_2 : عامل عاطفی ۲	R_2 : عامل رفتاری ۲
S_3 : عامل شناختی ۳	A_3 : عامل عاطفی ۳	R_3 : عامل رفتاری ۳
S_x : عامل شناختی x	A_y : عامل عاطفی y	R_z : عامل رفتاری z



شکل ۱: الگوی مفهومی کشش مؤلفه‌های متفاوت (ساحات و ابعاد مختلف وجودی) در گستره وجودی انسان

مؤلفه‌هایی که در این الگو، نماد گذاری شده است ($S_1, S_2, \dots, a_1, a_2, \dots, r_1, r_2, \dots, k_1, k_2, \dots$)، ابعاد و "مصادق‌های جزئی" از ساحات سه گانه است؛ به عنوان مثال، S_1 ، به این معنی نیست که «کل ادراکات عقلی» را صرفاً یک مؤلفه به شمار آوریم، بلکه هر کدام از مصادق‌های ادراکات عقلی (هر کدام از گزاره‌های عقلی که فرد در مورد آن یقین، ظن و یا حتی شک دارد) به تنهایی «یک مؤلفه مستقل» می‌تواند باشد که به اقتضای تصمیمات مختلف انسان، دارای تأثیر در تصمیم‌گیری است. هم‌چنین است حال مصادق‌های مختلف ادراکات حسی، خیالی و...، مصادق‌های مختلف عواطف، گرایش‌های غریزی و فطری و...، و مصادق‌های مختلف رفتارها، ملکات، خلیات و عاداتها، همگی به مصادق‌های جزئی هر کدام از این ساحات و ابعاد ناظر است.

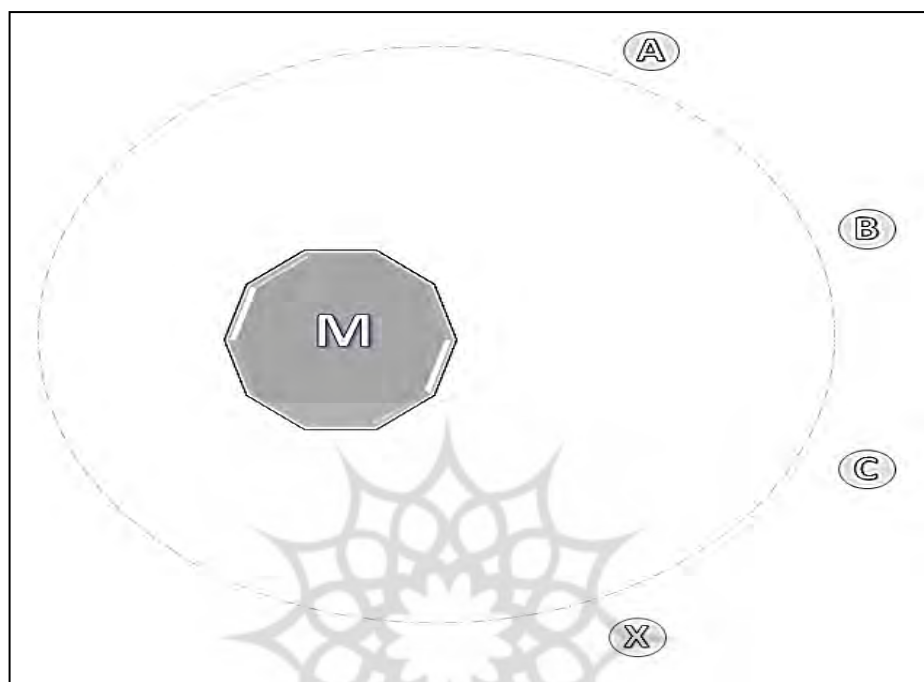
نکته دیگر اینکه میزان کششی که هر کدام از مؤلفه‌ها ایجاد می‌کند به اقتضای موقعیت و ویژگی‌های زمانی، مکانی، تربیت و... در هر فرد تصمیم‌گیرنده، متفاوت است؛ به همین دلیل در الگوسازی، «طول بردارها» نامساوی ترسیم شده است تا مشیر به این نکته باشد. دیگر اینکه، «فلش‌های دو سویه»، که در الگو ارائه شده، بیانگر کنش و واکنش عوامل است.

۳. الگوی تصمیم‌گیری انسان در تصمیم واحد (در لحظه خاص)

تا اینجا بحث، ناظر به کشش‌هایی بوده است که ساحات و ابعاد مختلف آنها، همواره در انسان ایجاد می‌کند؛ اما در بررسی موردی «یک تصمیم واحد» برای یک لحظه خاص (ظرف زمانی و مکانی خاص)، باید دقیقتر مسئله را دنبال کرد. به دیگر سخن تا قبل از این، سخن از «کشش مؤلفه‌های مختلف به صورت کلی» در فرد بود که می‌توانست در زمانها و مکانهای مختلف به شکلهای مختلف ظهور یابد ولی اکنون بر اساس تحلیل آثار حکمای متعالیه به صورت خاص می‌خواهیم در این موضوع بحث کنیم که فرایند تصمیم‌گیری واحد برای یک لحظه خاص (ظرف زمانی و مکانی خاص)، چگونه قابل تبیین و الگوسازی است.

حال فرد را در «لحظه تصمیم‌گیری در یک موضوع واحد» در نظر می‌گیریم. چنانچه صرفاً یک گزینه برای انتخاب وجود داشته باشد، بالطبع، شخص همان را بر خواهد گزید؛ اما چنانچه چند گزینه در مقابل «فرد تصمیم‌گیرنده» قرار داشته باشد، فرد باید بین گزینه‌ها، یکی را انتخاب کند.

فرد تصمیم‌گیرنده (عامل تصمیم، M) را در مقابل گزینه‌های ممکن برای انتخاب (A ، B ، C و X)، در لحظه تصمیم‌گیری، این گونه می‌توان به ترسیم در آورد.



شکل ۲: گزینه‌های مختلف برای تصمیم واحد در مقابل شخص تصمیم‌گیرنده

۳- ۱ - کششهای متفاوت مؤلفه‌ها در تصمیم واحد به سمت گزینه‌های مختلف طبق بحثهای پیشین و قاعده‌ای که تبیین شد، ساحات و ابعاد وجودی مختلف فرد بر اساس مطلوبات، منافرات و دیگر ویژگیهای خود در او کشش‌هایی را ایجاد می‌کند. برای ادامه روند الگوسازی، لازم است بر دو نکته تأکید شود: نکته اول: در «لحظه تصمیم‌گیری در یک موضوع واحد»، کششهای ایجاد شده از سوی مؤلفه‌های مختلف در برخی موارد همسو با یکدیگر و در برخی موارد، غیر همسو و متعارض با هم است؛ در نتیجه:

- الف - گاهی بین کششهای «ابعاد مختلف از ساحات متفاوت» همسویی و یا تعارض است.
- ب - گاهی بین کششهای «ابعاد مختلف یک ساحات واحد»، همسویی و یا تعارض است.

جدول ۶: بخشی از داده‌های مربوط به همسویی و یا تعارض کَششهای ایجاد شده مؤلفه‌های مختلف

مقولات	مفاهیم	داده
همسویی و یا تعارض کَششهای «ابعاد مختلف از ساحات متفاوت»	تعارض کَششهای «ابعاد مختلف از ساحات متفاوت»	الف - ۱: فرض متعارض بودن کَششهای «ابعاد مختلف از ساحات متفاوت»، کاملاً واضح و از توضیح بی‌نیاز است؛ به‌عنوان مثال، در یک تصمیم، ممکن است یک ادراک عقلانی از ساخت شناختی (مثلاً S_2) در تعارض قرار گیرد با یک گرایش حیوانی از ساخت عاطفی (a_3).
	همسویی کَششهای «ابعاد مختلف از ساحات متفاوت»	الف - ۲: فرض همسو بودن کَششهای «ابعاد مختلف از ساحات متفاوت»؛ توضیح اینکه این‌گونه نیست که ابعاد مختلف از ساحات متفاوت، صرفاً در جدال با یکدیگر باشند، بلکه در بعضی موارد نیز همسو با یکدیگر و مؤید هم هستند؛ به دیگر سخن در بعضی موارد، بخشی از یک ساخت (مثلاً S_3 از ساخت شناختی) با بخش دیگری از ساخت دیگر (مثلاً F_2 از ساخت رفتاری) همسو است و مؤید و تقویت‌کننده آن، در راستای ایجاد کَشش به سمت گزینه واحد است؛ به‌عنوان مثال در نگاهی که ملکات به ردائل و فضائل منقسم می‌شود، فضائل یاریگر عقل انسان معرفی می‌شود. هم‌چنین در مثالی دیگر، استاد مطهری قائل است که انسان می‌تواند در برابر محرکات غریزی [از ساخت عاطفی] مقاومت نشان بدهد و آنها را به عقب براند. این توانایی از آنجا پیدا می‌شود که از یک طرف در پرتو غرائز عالی [گرایشهای فطری از ساخت عاطفی] می‌تواند هدفهای عالی معنوی از قبیل خیر اخلاقی و کمال علمی و قرب به ذات حق را در نظر بگیرد و از سوی دیگر در پرتو قوه تعقل [از ساخت شناختی] می‌تواند اهمیت یک هدف و موجبات و موانع رسیدن آن را به‌طور منطقی تحت محاسبه در آورد (مطهری، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۶۱). در این مثال، گرایشهای فطری [از ساخت عاطفی]، همسو با ادراکات عقلی [از ساخت شناختی] و البته در تعارض با گرایشهای غریزی [از ساخت عاطفی]، لحاظ شده است.
همسویی و یا تعارض کَششهای «ابعاد مختلف یک ساخت واحد»	تعارض کَششهای «ابعاد مختلف یک ساحت واحد»	ب - ۱: فرض متعارض بودن کَششهای «ابعاد مختلف یک ساحت واحد»؛ توضیح اینکه موازنه، کشمکش، تعارض و تقابل در عرصه تصمیم‌گیری، صرفاً در رابطه و تقابل کلی ساحات سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری منحصر نیست؛ بلکه محتمل است ابعاد مختلف هر کدام از این ساحات (به صورت جزئی) نیز متعارض با ابعاد همان ساحت در فرایند تصمیم‌گیری، تأثیر بگذارد؛ به دیگر سخن، صرفاً این‌گونه نیست که مثلاً "ساحت شناختی به صورت کلی در تعارض با ساحت عاطفی قرار گیرد، بلکه چه بسا، ابعاد مختلف همین ساحت شناختی (S_1, S_2, S_3 و S_X) نیز با یکدیگر متعارض و متقابل شود و یا اینکه ابعاد مختلف ساحت عاطفی (عواطف و گرایشهای مختلف، a_1, a_2, a_3 و a_Y) نیز ممکن است مطلوبات متناقضی با یکدیگر داشته باشد و فرد را دچار چالش در مقام تصمیم‌گیری کند. مثالها در این زمینه بسیار زیاد است؛ اما از باب نمونه به چند مورد اشاره می‌شود؛ از جمله اینکه علامه طباطبایی در موارد متعدد به جدال و تعارض بین ادراکات حسی و ادراکات عقلی (دو بعد مختلف از ساحت واحد شناختی) و تأثیر آن در انسان می‌پردازد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۸ - ۲۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۷: ۷۵ - ۷۶). هم‌چنین ایشان در تفسیر شریف المیزان به تعارض مابین «خوف و رجاء» از سوی «گرایشهای فطری» از سوی دیگر اشاره دارد؛ مؤلفه‌هایی که ابعاد مختلف از ساحت واحد عاطفی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۳۸).

ادامه جدول ۶: بخشی از داده‌های مربوط به همسویی و یا تعارض کَششهای ایجاد شده مؤلفه‌های مختلف

مقولات	مفاهیم	داده
همسویی و یا تعارض کَششهای «ابعاد مختلف یک ساحت واحد»	تعارض کَششهای «ابعاد مختلف یک ساحت واحد»	مثال دیگر در زمینه تعارض ابعاد یک ساحت واحد، بحث جدال وهم با عقل (هر دو از ساحت واحد شناختی) است. ملاصدرا وهم را چیزی در انسان می‌داند که با عقل نزاع می‌کند؛ همان‌گونه که انسان از مرده می‌ترسد، گرچه عقل انسان حکم می‌کند که مرده هیچ آسیبی به انسان نمی‌تواند بزند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۲۴۸). از دید علامه طباطبایی نیز در بحث شناختی تصمیم‌گیری، وهم به جدال با عقل می‌پردازد و احکام مخصوص خود را صادر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲: ۵۷۳). کشمکش بین ابعاد یک ساحت واحد در ساحت رفتاری نیز قابل تبیین است، آنجا که ملکات و خلیقات متفاوت در فرد کَششهای متعارض ایجاد می‌کند و در مقام تصمیم‌گیری واحد، هر کدام فرد را به سوی می‌کشانند.
«ابعاد مختلف یک ساحت واحد»	همسویی کَششهای «ابعاد مختلف یک ساحت واحد»	ب - ۲: فرض همسو بودن کَششهای «ابعاد مختلف یک ساحت واحد»، واضح و از توضیح بی‌نیاز است؛ به‌عنوان نمونه، یک ادراک خیالی از ساحت شناختی (مثلاً S ₁) همسو باشد با ادراک عقلانی همان ساحت شناختی (مثلاً S ₂).

نکته دوم: قدرت مؤلفه‌ها (ساحات و ابعاد مختلف آنها) در میزان تأثیرگذاری و «ایجاد کَشش» در فرد تصمیم‌گیرنده، یکسان نیست. بر همین اساس نیز در الگوسازی، «طول بردارها» [که بیانگر میزان کَششی است که هر یک از مؤلفه‌ها در یک فرد به سمت یک گزینه ایجاد می‌کند] متفاوت است.

جدول ۷: نمونه‌ای برای تفاوت قدرت مؤلفه‌ها در میزان تأثیرگذاری و ایجاد کَشش

مقولات	مفاهیم	داده
تفاوت قدرت مؤلفه‌ها در تأثیرگذاری و ایجاد کَشش	مقایسه بین لذت مخصوص قوای مختلف انسان و کَشش آن	در آثار ملاصدرا، یکی از مواردی که به تفاوت در «میزان ایجاد کَشش» اشاره شده، بیان ایشان در مقام مقایسه بین لذت مخصوص قوای مختلف انسان است. او تصریح دارد که از بین قوای مختلف (که هر کدام کَششی در فرد به سمت تحقق مطلوب خود ایجاد می‌کند)، هر یک از قوا، که وجودش قویتر و کمالش بالاتر و البته مطلوبش با دوامتر باشد، لذت آن قوه، بیشتر است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۵۸۶). مبتنی بر تفاوتی که هر کدام در «میزان تولید لذت» دارند، «میزان کَششی» که در فرد ایجاد می‌کند، متفاوت است.

البته میزان تولید لذت، تنها متغیر در تعیین قدرت و کَشش هر کدام از مؤلفه‌ها نیست؛ بلکه عوامل دیگری همچون ویژگیهای شخصی افراد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۴: ۱۱۶؛ طباطبایی، بی تا - ب:

(۱۲۳) و مواردی دیگر [همچون جنسیت^(۲) و...] نیز مؤثر است.

ضمن تأکید بر این دو نکته - که مستخرج از داده‌های آثار حکمای متعالیه است - و با تطبیق آنها با سیر این پژوهش، بحث الگوسازی را در این پژوهش پی می‌گیریم. یادآور می‌شود که ادعا این نیست که الگوهای طراحی شده، دقیقاً در نظرات و آرای حکمای متعالیه وجود دارد بلکه سخن در این است که ایشان، نظریاتی را به فراخور بحثهای مختلف مطرح کرده‌اند که با لحاظ این نظریات پراکنده در کنار یکدیگر و سپس توسعه آن، می‌توان چنین الگوهایی را طراحی کرد و البته روال تولید مطالب جدید بر اساس استخراج و توسعه نظریات بنیادین نیز همین گونه است.

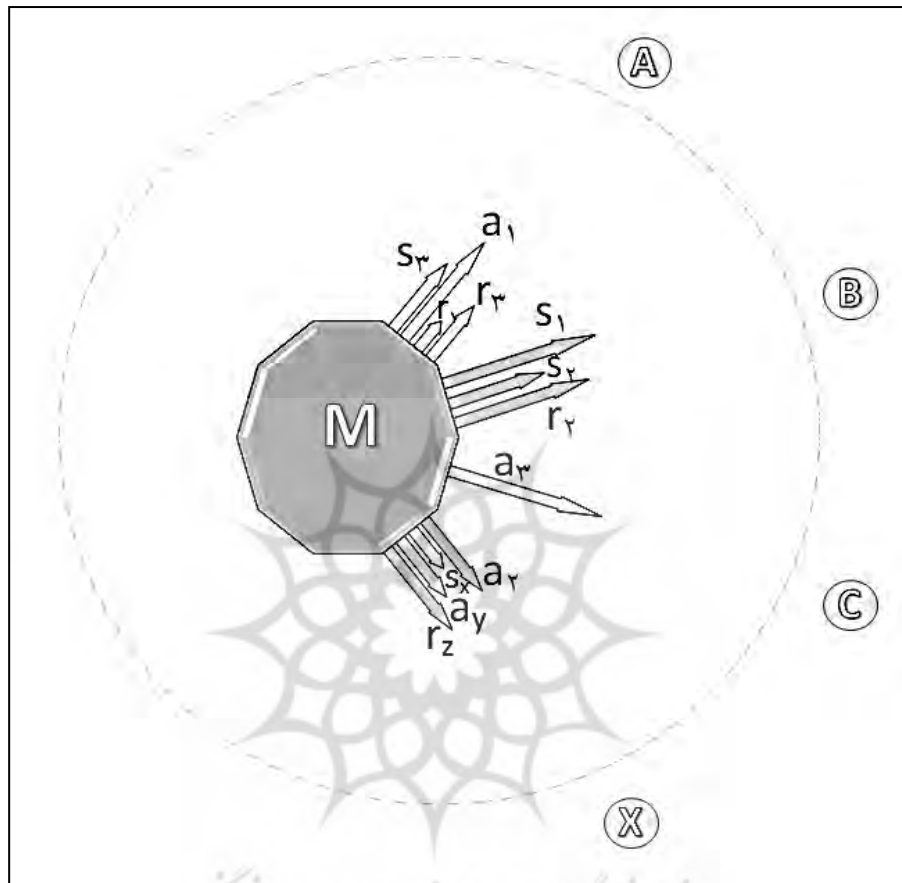
در تصمیم‌گیری M ، فرد در مقام تصمیم‌گیری واحد، چند گزینه (A, B, C, \dots, X) را برای انتخاب در مقابل خود داشته است؛ در این مرحله، مؤلفه‌ها (ساحات و ابعاد وجودی مختلف فرد: S_1, a_1, I_1, \dots)، بر اساس مطلوبات، منافرات و دیگر ویژگیهای خود در او کششهایی را به سمت هر کدام از گزینه‌های پیشرو، ایجاد می‌کند؛ کششهایی که بعضی همسو و بعضی غیر همسو است؛ کششهایی که برابر نیست و...

در مقام مثال، یک مؤلفه شناختی، یک مؤلفه عاطفی و دو مؤلفه رفتاری دیگر (S_3, a_3, I_3, r_3) کششهایی را به سمت گزینه A ایجاد می‌کند. در سمت دیگر، دو مؤلفه شناختی و یک مؤلفه رفتاری (S_2, a_2, I_2) به سمت گزینه B کشش ایجاد می‌کند. یک مؤلفه عاطفی (a_3) به سمت گزینه C کشش ایجاد می‌کند. مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری دیگری (S_x, a_x, I_x, r_x) نیز به سمت گزینه دیگر (X) .

برای فهم دقیقتر از دخالت جزئی مؤلفه‌ها در الگوسازی، باید یادآوری شود که همان‌گونه که پیش از این بیان شد، هر کدام از این مؤلفه‌ها که در الگو با علامات اختصاری (s, a, r) نمادگذاری شده است، یک مصداق جزئی از ادراکات حسی و عقلی و... (یک گزاره شناختی خاص) و یا یک مصداق جزئی از عواطف و گرایشهای عاطفی (مانند ظهور یک احساس غم در مورد فوت یک نفر) و یا یک مصداق جزئی از ملکات و خلقیات (مانند شجاعت، حکمت و حسد) است.

در این مرحله از پژوهش، ایجاد کششهای متفاوت از سوی مؤلفه‌های مختلف در فرد در لحظه

تصمیم‌گیری (با لحاظ نکات پیشگفته)، این گونه الگوسازی شده است:



شکل ۲: کششهای متفاوت مؤلفه‌ها (ساحات و ابعاد مختلف وجودی) در تصمیم واحد به سمت گزینه‌های مختلف

۲-۳ - بازسازی الگوی نهایی تصمیم‌گیری انسان

در جدال بین مؤلفه‌ها (ساحات و ابعاد آنها) و کششهایی که هر کدام به سمتی ایجاد می‌کند، بعضی بر بعضی دیگر غالب می‌شود. فلاسفه متعالیه در موارد متعدد - ذیل موضوعات گوناگون - در بررسی شیوه‌های مختلف تصمیم‌گیری به غلبه یک مؤلفه و یا مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها، بر مؤلفه‌های دیگر تصریح کرده‌اند که نتیجه این «غلبه» تصمیم‌گیری همراستا با «مؤلفه‌های غالب» است.

به نمونه‌هایی از کاربرست «غلبه مؤلفه‌ها» در آثار فلاسفه مورد بحث اشاره می‌شود.

جدول ۸: نمونه‌هایی از اشارات حکمای متعالیه به «غلبه مؤلفه‌ها» در بحث تصمیم‌گیری

مقولات	مفاهیم	داده
غلبه عواطف بر عقل و بالعکس	غلبه عقل بر عواطف	<p>علامه طباطبایی به جدال بین عواطف و عقل اشاره می‌کند که در این جدال گاهی عواطف غالب می‌شود و گاهی عقل. بر اساس نظر علامه طباطبایی در فعالیت هر حیوان زنده - جز انسان - عواطف حیوانی، نقش اصلی را ایفا می‌کند اما انسان، علاوه بر عواطف گوناگون مانند مهر و کینه و دوستی و دشمنی و بیم و امید به یک جهاز قضایی [عقل] مجهز است که با بررسی دعوی [و خواسته‌های] عواطف گوناگون و قوای مختلف، مصلحت واقعی عمل را تشخیص می‌دهد و طبق آن قضاوت می‌کند. در تصمیمات مختلف، گاهی عقل با عواطف همراستا است و در نتیجه، تصمیم، همسو شکل می‌گیرد گاهی نیز عقل در مخالفت با عواطف است. در بعضی از این موارد، حتی با وجود خواست شدید عواطف، عقل بر آنها غالب می‌شود و انسان را به سمت دیگری از تصمیم می‌کشاند که تابع مصالح واقعی اوست (طباطبایی، ۱۳۸۸ الف، ج ۱: ۷۷).</p>
	غلبه عواطف بر عقل	<p>علامه بیان می‌کند که بسا می‌شود که بعضی از قوای انسان به دلیل غلبه بر دیگر قوا بر وجود انسان مسلط می‌شود؛ مانند شهوت و غضب [بازیگران اصلی ساحات عاطفی]. در این صورت احکام باقی قوا را باطل و یا ضعیف می‌کند که نتیجتاً انسان از مسیر اعتدال به سمت افراط و یا تفریط خارج می‌شود. در این حالت، اگر انسان عملی را انجام دهد، آن عمل عقلانی نخواهد بود گرچه او عمل خود را عقلانی بداند. اطلاق اسم عقل به چنین موردی، صرفاً بر نحو مسامحه است و در واقع، عقل حقیقی نیست؛ زیرا چنین انسانی از سلامت فطرت خارج شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۵۰).</p>
غلبه ائتلافی از مولفه‌ها بر ائتلافی دیگر	غلبه ائتلاف «قوه حیوانی»، شهوت، غضب، خیال و وهم بر ائتلاف «عقل و فضائل»	<p>به عنوان نمونه‌ای دیگر در بحث «غالب شدن»، ملاصدرا در بیانی (که در آن علاوه بر بحث «غالب شدن»، بحث همسویی و تعارض مؤلفه‌های مختلف با قدرتهای متفاوت نیز لحاظ شده است) با ادبیاتی عرفانی قائل است که ریاضت برای بهائم این‌گونه است که آنها را از حرکات مختلفی که خودش می‌خواهد ولیکن مرضی راکب نیست، منع کند و در مقابل، مدتی بر آنچه صاحب آنها می‌خواهد، مجبور کنند تا عادت به اطاعت از صاحب خود نمایند. همین‌گونه هم حال قوه حیوانی است؛ قوه حیوانی، اگر ریاضت نکشیده و مطیع روح [عقل] نشود، مانند چهارپای نافرمان‌بدار و ریاضت نکشیده‌ای است که قوه ناطقه را در راه اغراض حیوانی خود به خدمت می‌گیرد؛ گاهی آن را به سمت شهوات خود می‌خواند و گاه دیگر به سمت غضب، که البته منشأ این دو، خیال و وهم است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۶۸۷). ریاضت کشیدن و عادت به اطاعت داشتن، مشیر به بحث «اکتساب فضائل» (از ملکات ساحات رفتاری) است.</p> <p>در این عبارت ملاصدرا، «قوه حیوانی، شهوت و غضب [از ساحات عاطفی]، خیال و وهم [از ساحات شناختی]» همسو با یکدیگر است که در تقابل با «عقل [از ساحات شناختی] و ریاضت و فضائل [از ساحات رفتاری]»، تبیین شده است. در نتیجه در بعضی شرایط (اگر قوه حیوانی ریاضت نکشد، فضائل دارای قدرت زیاد نباشد)، ائتلاف و همسویی «قوه حیوانی، شهوت، غضب، خیال و وهم» غالب می‌شود.</p>

ادامه جدول ۸: نمونه‌هایی از اشارات حکمای متعالیه به «غلبه مؤلفه‌ها» در بحث تصمیم‌گیری

مقولات	مفاهیم	داده
غلبه ائتلافی از مؤلفه‌ها بر ائتلافی دیگر	غلبه ائتلاف «عقل و فضائل» بر ائتلاف «قوه حیوانی، شهوت، غضب، خیال و وهم»	در بحث جدال بین ائتلاف «قوه حیوانی، شهوت، غضب، خیال و وهم» با ائتلاف «عقل و فضائل»، ملاصدرا در ادامه عبارت پیشین، قائل است که چنانچه قوه عاقله، نفس حیوانی را ریاضت دهد، آن را از تخیلات و توهمات و افعال و تصمیماتی که در مسیر شهوت و غضب هستند، منع می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۶۸۷). بر این اساس در این جدال در بعضی شرایط (اگر قوه حیوانی ریاضت بکشد و فضائل دارای قدرت زیاد باشد)، ائتلاف «عقل و فضائل»، غالب خواهد شد.

مرور چندباره شناسه‌گذاریها و تحلیل دقیق داده‌ها، مفاهیم و مقولات مستخرج از آثار ملاصدرا، علامه طباطبایی و استاد مطهری در نهایت، این زمینه را فراهم کرد که پژوهشگر بتواند الگوی نهایی و جامع تصمیم‌گیری را طراحی کند. الگویی که در آن، «عوامل مختلف تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری» به صورت جدا لحاظ نشود؛ بلکه گام را فراتر می‌نهد و نگاهی تجمیعی به تأثیرگذاری توأمان ساحات و ابعاد مختلف در «تصمیم‌گیری واحد در لحظه خاص» شده است. بر همین مبنا، الگوی پیش رو، تحت عنوان یک نظریه ارائه می‌شود؛ الگو و نظریه‌ای جامع که مفسر و تحلیلگر «تصمیمات مختلف انسانی» با حضور ساحات شناختی، عاطفی و رفتاری، در شرایط گوناگون زمانی و مکانی باشد به گونه‌ای که جنبه‌های متفاوت انسان در مقام تصمیم‌گیری در آن با هم لحاظ شود.

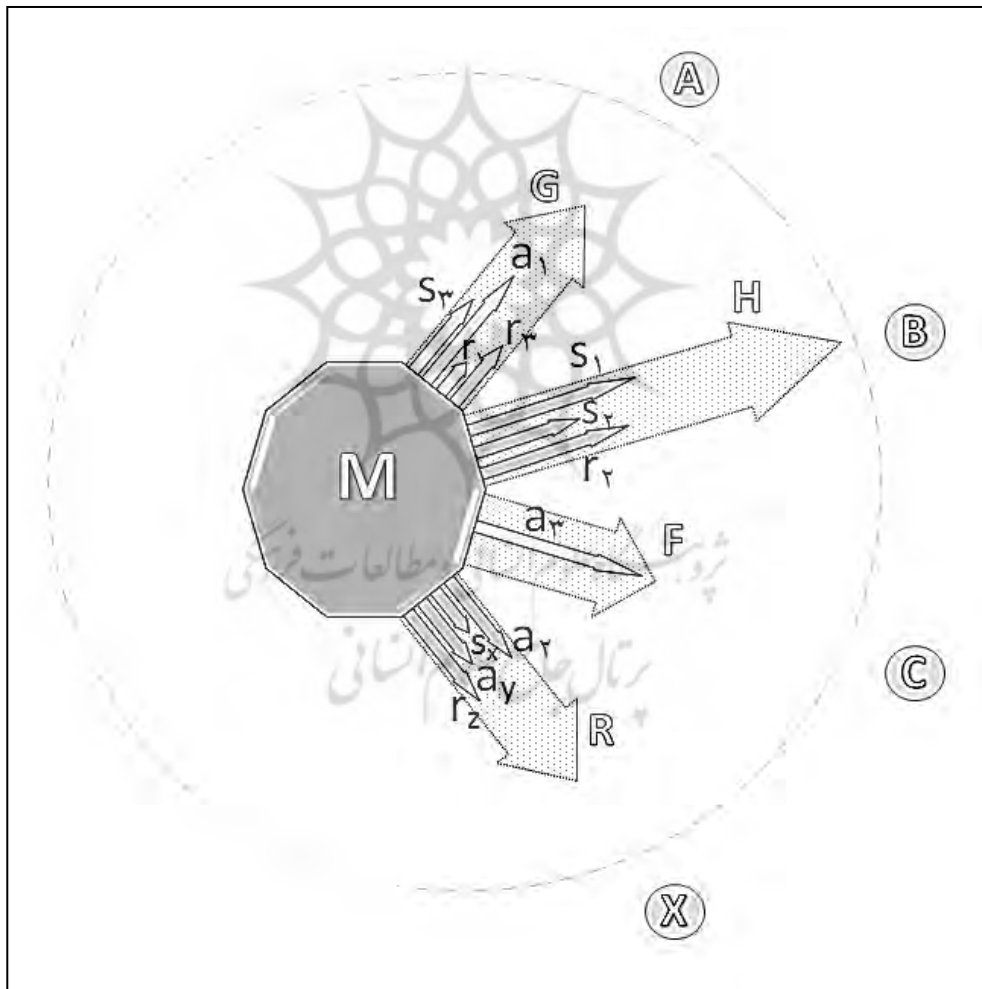
تطبیق «غالب شدن»، «حاکم شدن» و «ائتلاف مؤلفه‌ها» [که از آثار حکمای متعالیه استخراج شده است] با روند الگوسازی پژوهش، ذهن پژوهشگر را به سمت «مقایسه بین میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌ها» رهنمون کرد. با پردازش، تحلیل دوباره و تدقیق در داده‌های پژوهش، مفهوم جدید «مقایسه بین قدرت و وزن مؤلفه‌ها بر اساس مجموع کشش‌ها» تبیین و تولید شد.

در الگوسازی «تصمیم واحد شخص M»، یک یا چند مؤلفه، به سمت هر کدام از گزینه‌ها (A، B، ...)، کشش ایجاد می‌کند در این میان، «مجموع کششها» (حاصل جمع بردارها)، تعیین‌کننده میزان تمایل و کششی است که در فرد (M)، به سمت گزینه‌های مختلف صورت می‌پذیرد.

در تعیین میزان «مجموع کششها» به سمت یک گزینه، هم «تعداد» مؤلفه‌ها تأثیرگذار است و هم «قدرت» هر کدام از اینها. به عنوان مثال G (مجموع کششها به سمت گزینه A) بر اساس جمع

قدرت کشش چهار مؤلفه s_3 ، a_1 ، r_1 و r_3 (که هر کدام قدرت کشش خاصی دارند) به دست می‌آید.

$r_3 + r_1 + a_1 + s_3 =$	G: مجموع کششها به سمت گزینه A
$r_1 + s_2 + s_1 =$	H: مجموع کششها به سمت گزینه B
$a_3 =$	F: مجموع کششها به سمت گزینه C
$r_z + a_y + s_x + a_2 =$	R: مجموع کششها به سمت گزینه X



شکل ۳: الگوی تصمیم‌گیری انسان بر مبنای وزن‌کشی ساحات و ابعاد انسانی در تصمیم

در کشمکش بین ساحات و ابعاد متفاوت به سمت گزینه‌های مختلف، که در شکل‌گیری تصمیم واحد (در لحظه خاص) وجود دارد، فرد تصمیم‌گیرنده در نهایت، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که «مجموع کششهایی که مؤلفه‌ها به سمت آن دارند»، بیشتر باشد از «مجموع کششهایی که به سمت دیگر گزینه‌ها وجود دارد»؛ به دیگر سخن، کشش به سمت آن گزینه بر سایر کششها "غالب" شود. در الگوسازی، M (فرد تصمیم‌گیرنده) گزینه B را برخواهد گزید؛ زیرا مجموع کششهای ایجاد شده از سوی مؤلفه‌های حامی آن (H)، در مقایسه با دیگران (F, G و R) بیشتر است.

الگو و نظریه ارائه شده برای تحلیل تصمیم‌گیری در انسان را می‌توان «نظریه وزن‌کشی ساحات و ابعاد انسانی در تحلیل الگوی تصمیم‌گیری» نامید. طبق نظریه مطرح شده، انسان در لحظه تصمیم بین گزینه‌های مختلف پیش رو، تحت تاثیر طیف گسترده‌ای از مؤلفه‌های متفاوت (از ساحات و ابعاد مختلف) است. هر کدام از این مؤلفه‌ها، کششی را در انسان به سمت گزینه مطلوب خود ایجاد می‌کند. در نهایت، آن گزینه‌ای که مؤلفه‌های حامی آن از قدرت و وزن بیشتری برخوردار بوده و در نتیجه «مجموع کششهای ایجاد شده به وسیله آنها» بیشتر باشد، تعیین‌کننده تصمیم خروجی خواهد بود و در نهایت تصمیم اتخاذ می‌گردد. این تحلیل را به اختصار «نظریه وزن‌کشی ساحات در تصمیم» می‌نامیم. بر همین اساس نیز برای فهم تصمیمات یک فرد، باید او را در «لحظه تصمیم‌گیری» لحاظ کرد.

در پایان، لازم است نکاتی درباره این الگوسازی و نظریه ارائه شود.

در برخی از لحظه‌ها و موقعیت‌ها، برخی گرایشها چنان حاکم و قوی تبلور می‌یابد که یارای مقابله از سوی هیچ‌یک از ساحات و ابعاد دیگر وجود نخواهد داشت. کشش این گرایشها، شدیداً بر بقیه غالب می‌گردد و در نتیجه تصمیم در راستای آن حاصل خواهد شد. مانند گرایش جنسی و گرایش به غذا، که از گرایشهای درونی انسانی است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷: ۱۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۶۹) در صورتی که گرایش جنسی (در لحظه‌ای خاص) زیاد تحریک شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۷۴ - ۳۷۵) و یا گرسنگی شدید بر فرد عارض شود در این حالات، کشش این دو گرایش، بسیار قوی است و فرد را به تصمیماتی خاص مجبور می‌کند.

همین‌طور است حال بعضی از ملکات رفتاری در ایجاد کشش در افراد، ملکات با درونی کردن بسیاری از ویژگیها از قدرت بسیار زیادی برخوردار است که البته غالباً ناخودآگاه است (ملاصدرا،

۱۹۸۱، ج ۹: ۲۹۱؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۶۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۸۷: ج ۱۶۸ - ۱۶۹). با توجه به میزان قوت آن ملکه، قدرت ایجاد کششها در افراد نیز متفاوت است؛ در این میان در بعضی از موارد، قدرت برخی از ملکات آن چنان زیاد می‌شود که کاملاً غالب می‌شود و جایی برای کشش به سمت دیگر گزینه‌های پیش رو (چه شناختی [اعم از عقلی و...]) و چه عاطفی و... نمی‌گذارد؛ مانند بحث تأثیر ملکات در ظهور تصمیم شجاعانه که علامه طباطبایی آنرا به صورت جزئی و دقیق مورد تحلیل قرار داده است (طباطبایی، ۱۳۸۸ الف، ج ۱: ۱۰۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۳۶۸).

تأثیرپذیری فرد تصمیم‌گیرنده (M) از کششهای مؤلفه‌های مختلف (ساحات و ابعاد مختلف آنها) به معنای تضعیف ساحت عقلانی در انسان نیست؛ بلکه همان‌گونه که بارها تأکید شده است، یکی از مهمترین مؤلفه‌های اثرگذار، عقل و ادراکات عقلی است. گزاره‌های مختلف کلی و جزئی، توصیفی و انشائی از سنخ هست‌ها و نیست‌های عقل نظری - و از سنخ باید‌ها و نباید‌های عقل عملی (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲: ۵۰۳؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۵۱۵).

کشش ایجادشده توسط عقل در کنار دیگر کششها در انسان وجود دارد؛ در این میان در لحظه تصمیم‌گیری فرد، چنانچه کششهای ایجادشده از سوی عقل از قدرت و وزن کافی برخوردار باشد، می‌تواند بر دیگر مؤلفه‌ها غالب شود و تأثیر لازم را در تصمیم‌گیری انسان بگذارد و تصمیم در راستای مطلوبات بُعد عقلانی انسان گرفته شود؛ در مقابل چنانچه قدرت کششهای عاقله زیاد نباشد، مغلوب تأثیر دیگر مؤلفه‌ها می‌شود.

این نکته را نیز باید افزود که از مؤلفه‌هایی که بعد عقلانی فرد را تقویت می‌کند، تشکیل ملکه حکمت است. اگر فرد قوه عاقله خود را (در اثر تکرار افعال عقلانی و...) تقویت کند، می‌تواند واجد ملکه حکمت شود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۴: ۱۱۶)؛ که در نتیجه آن به دلیل وزن و قدرت بیشتر کششهای عقلانی در او [که حمایت ملکه حکمت را همسو با کششهای عقلانی دارد]، تصمیمات فرد، عقلانی‌تر - در راستای منافع و مطلوبات عقلی - خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هر یک از ساحات انسانی (ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری) و ابعاد آنها در نظام تصمیم‌گیری انسان تأثیر بسزایی دارد؛ البته تصمیمات انسان، صرفاً نتیجه «بازیگری یک ساحت به

صورت مستقل» نیست؛ بلکه در غالب تصمیمات، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها نقش آفرینی می‌کند. هر کدام از ساحات و ابعاد وجودی انسان، همواره در پی تحصیل مطلوب مخصوص به خود است. در همین راستا نیز در فاعل تصمیم به سمت «مطلوب خود» کشش ایجاد می‌کند. این تحلیل در قالب الگوی «کشش مؤلفه‌های متفاوت در گستره وجودی انسان» ارائه شده است. در بررسی موردی «تصمیم واحد» برای لحظه خاص، همزمان بسیاری از ساحات و ابعاد در شکل‌گیری تصمیم واحد تأثیرگذاری دارد. در این میان، کششهای مؤلفه‌های مختلف در بعضی موارد همسو و در بعضی موارد، متعارض است. هم‌چنین، قدرت مؤلفه‌ها در میزان تأثیرگذاری و «ایجاد کشش» در فرد تصمیم‌گیرنده، یکسان نیست و هر کدام میزان مختص به خود دارد. مبنی بر این دو نکته به الگوی «کششهای متفاوت مؤلفه‌ها در تصمیم واحد، به سمت گزینه‌های مختلف» نائل می‌شویم.

در الگوسازی «تصمیم واحد»، مؤلفه‌های متفاوت به سمت گزینه‌های مختلف، کشش ایجاد می‌کند. در نهایت، موازنه «مجموع کششها» (حاصل جمع بردارها)، تعیین‌کننده تصمیم است. این شیوه برای تحلیل تصمیم‌گیری را می‌توان «نظریه وزن‌کشی ساحات و ابعاد انسانی در تحلیل الگوی تصمیم‌گیری» نامید که در این پژوهش در قالب یک الگوی نهایی طراحی و ارائه شده است. انسان در لحظه تصمیم بین گزینه‌های متفاوت پیش رو، تحت تأثیر طیف گسترده‌ای از مؤلفه‌های متفاوت (از ساحات و ابعاد مختلف) است؛ آن گزینه‌ای که مؤلفه‌های حامی آن، از قدرت و وزن بیشتری برخوردار باشد، تعیین‌کننده تصمیم خروجی خواهد بود.

در پایان، چند موضوع برای مطالعات آینده، پیشنهاد می‌شود: ۱ - مطالعه تطبیقی الگوی تصمیم‌گیری ملاصدرا و علامه طباطبایی با الگوهای قابل استخراج از نظریات مکاتب غربی مانند پراگماتیسم ۲ - رابطه الگوی تصمیم‌گیری با تصویر کمال و سعادت در حکمت متعالیه ۳ - بررسی الگوی تصمیم‌گیری ملاصدرا و علامه طباطبایی در کشاکش رئالیسم و ایده آلیسم ۴ - رابطه الگوی تصمیم‌گیری با تشکیک وجود در حکمت متعالیه

یادداشت‌ها

۱ - هم‌چنین، نک: ملاصدرا، ۱۳۴۰، ج ۱: ۵۷؛ فخر رازی، ۱۴۰۶: ۸۰؛ میرداماد، ۱۳۸۵ - ۱۳۸۱: ۴۷۸؛ حلی، ۱۳۷۱:

۲۰۰

۲ - در زنان به نسبت مردان، عواطف از قدرت بسیار بیشتری برخوردار است و در تصمیمات تأثیر بسزایی دارد (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳۲۹-۳۳۰؛ طباطبایی، ۱۳۸۸ الف، ج ۱: ۲۸۵).

منابع فارسی

- اکبری، رضا (۱۳۸۶). عقلانیت، تصمیم‌سازی، اصل شورا. اندیشه مدیریت. ش ۱: ۵۹ تا ۷۶.
- ترنر، استیفن (۱۳۷۸). عقل و تصمیم: آموزه محوری وبر و انتخابهای ارزشی. ترجمه سید علی مرتضویان. ارغنون. ش ۱۵: ۱ تا ۲۴.
- تسلیمی، سعید؛ صفری، حسین؛ سید دانش، سید یحیی (۱۳۸۳). بررسی الگوی سه نوع تصمیم‌گیری حضرت امام خمینی (ره) با استفاده از مدل تصمیم‌گیری حکیمانه - رویکرد فازی. دانشور رفتار. ش ۸: ۳۱ تا ۴۰.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۷۵). شرح الاشارات و التنبیها. قم: نشر البلاغ.
- شیرازی، سید رضی (۱۳۸۷). درس‌های شرح منظومه. چ دوم. ویرایش و تنظیم فاطمه فنا. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
- شیروانی، علی (۱۳۸۷). ترجمه و شرح نه‌ایة الحکمه. چ دوم. قم: بوستان کتاب.
- صلیبا، جمیل (۱۴۱۴ق). المعجم الفلسفی. بیروت: الشركة العالمیه للکتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۳). قرآن در اسلام. چ دوم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. چ پنجم. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸). شیعه در اسلام. چ سیزدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷الف). اصول فلسفه رئالیسم. چ دوم. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷ب). تعالیم اسلام. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷ج). روابط اجتماعی در اسلام. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷د). مجموعه رسائل علامه طباطبائی. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۸الف). بررسی‌های اسلامی. چ دوم. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۸ب). علی و فلسفه الهی. ترجمه سید ابراهیم سید علوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۲۰۰۷م). مجموعه رسائل العلامة الطباطبائی. تحقیق صباح الربیعی. قم: نشر باقیات / مکتبه الفدک لاحیاء التراث.

- طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا - الف). **بداية الحكمة**. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا - ب). **نهاية الحكمة**. چ دوازدهم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين قم.
- حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۳۷۱). **الجواهر النضید**. چ پنجم. قم: انتشارات بیدار.
- فخر رازی، محمد (۱۴۰۶ ق). **کتاب النفس و الروح و شرح قواهما**. تحقیق محمد صغیر معصومی. تهران: معهد الابحاث الاسلامیه.
- کاویانی، محمد (۱۳۷۶). آثار روانی - اجتماعی خداواری. **روش شناسی علوم انسانی**. ش ۱۳: ۳۴ تا ۴۸.
- محقق سبزواری، محمدباقر (۱۳۸۳). **اسرار الحكم**. تصحیح از کریم فیضی. قم: مطبوعات دینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۳۴). **اصول فلسفه و روش رئالیسم**. چ دوم. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). **مجموعه آثار**. چ هشتم. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). **فلسفه تاریخ**. چ یازدهم. تهران: انتشارات صدرا.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۳۴۰). **رساله سه اصل**. به تصحیح و اهتمام سید حسین نصر. تهران: دانشگاه علوم معقول و منقول تهران.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۳۵۴). **المبدأ و المعاد**. تصحیح سید جلال الدین آشتیانی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۳۶۰ الف). **اسرار الآيات**. مقدمه و تصحیح محمد خواجهوی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۳۶۰ ب). **الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية**. چ دوم. تصحیح و تعلیق سید جلال الدین آشتیانی. مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۳۶۱). **العرشیه**. تصحیح غلامحسین آهنی. تهران: انتشارات مولی.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۳۶۳). **مفاتیح الغیب**. مقدمه و تصحیح محمد خواجهوی. تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۳۷۵). **مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین**. تهران: انتشارات حکمت.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۳۷۸). **المظاهر الإلهیه فی أسرار العلوم الکمالیه**. تصحیح، تحقیق و مقدمه سید محمد خامنه‌ای. تهران: بنیاد حکمت صدرا.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۴۲۲). **شرح الهدایة الاثریه**. تصحیح محمد مصطفی فولادکار. بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ملاصدرا، محمد ابراهیم (۱۹۸۱ م). **الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**. چ سوم. بیروت: دار احیاء التراث.

ملاصدرا، محمد ابراهیم (بی‌تا). الحاشیه علی‌الهیات الشفاء. قم: انتشارات بیدار.
میرداماد، محمد باقر (۱۳۸۵-۱۳۸۱). مصنفات میر داماد. به اهتمام عبدالله نورانی. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

نجف زاده تربتی، محمد (۱۳۸۰). نگاه نهج البلاغه به نظریه تصمیم. پژوهشنامه حقوق اسلامی (اندیشه صادق). ش ۳ و ۴: ۲۲ تا ۳۵.

هاشمی، حمید رضا (۱۳۸۷). نظریه ادراکات اعتباری و نتایج علمی و عملی آن. پژوهش‌های فلسفی (نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز). ش ۲۰۵: ۱۲۵ تا ۱۵۷.

منابع انگلیسی

- Bermúdez, José Luis (2009). **Decision Theory and Rationality**. Oxford University Press.
Connor, Timothy & Sandis, Constantine(2011). **A Companion to the Philosophy of Action-Blackwell Companions to Philosophy**. a John & Sons Ltd Publication.
Dancy, Jonathan (2000). **Practical Reality**. Oxford University Press.
D'Oro, Giuseppina & Sandis, Constantine(2013). **Reasons and Causes: Causalism and Anti-Causalism in the Philosophy of Action**. Palgrave Macmillan UK.
Given, Lisa M. (Ed.) (2008): **The SAGE encyclopedia of qualitative research methods**. Los Angeles, Calif: SAGE Publications.
Jupp, Victor (Ed.) (2006): **The SAGE Dictionary of Social Research Method**. London: SAGE Publications.
L. Pollock, John (2006). **Thinking about Acting: Logical Foundations for Rational Decision Making**. Oxford University Press.
O'Brien, L. (2014) **Philosophy of Action**. Palgrave Macmillan.
Sandis, Constantine (2008) **New Essays on the Explanation of Action**. Palgrave Macmillan UK(the University of California).
Sandis, Constantine (2011). **The Things We Do and Why We Do Them**. Palgrave Macmillan UK.
Schwandt, Thomas A. (2007). **The SAGE dictionary of qualitative inquiry**. 3rd ed. Los Angeles, Calif: SAGE Publications.